



لغت

لغت صوتی است که هر قوم از اغراض خویش تعبیر می‌کنند.

فهرست مندرجات

- ۱ - اصل کلمه لغت
- ۲ - تعریف لغت
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

اصل کلمه لغت

اصل این کلمه «لغو» بر وزن - فغلة - است و برخی گفته اند که اصل آن «لغی» یا «لغو» می باشد. در هر صورت «تا» را بجای **حرف** محذوف نهاده اند.
^[۱] [لسان العرب، ذیل «لغا»، ج ۱۵، ص ۲۵۰.](#)
^[۲] [کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)
^[۳] [الصاح جیب دار الکتب العربی، مصر، ج ۶، ص ۲۴۸۴.](#)
و برخی چون شادروان **دهخدا** معتقدند که ریشه آن **کلمه** لگس Logos می باشد که یک واژه یونانی است.
^[۴] [لغت نامه دهخدا، ماده «لغت».](#)

تعریف لغت

لغت را چنین **تعریف** کرده اند: «هی اصوات یعبر بها کل قوم عن اغراضهم».

^[۵] [لسان العرب ماده «لغا».](#)

^[۶] [الکلیت \(ابی البقاء الحسینی الکفوی الحنفی\)، چاپ تهران، ۱۲۸۶ هـ.ق، ص ۲۹۲.](#)

یعنی لغت صوت یا اصواتی است که هر قوم بدان از اغراض خویش تعبیر نمایند.
و به عبارت دیگر لغت لفظی است که برای معنایی **وضع** شده باشد.

^[۷] [کشاف اصطلاحات الفنون، چاپ مکتبه خيام - تهران، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)

و یا **کلامی** است که در میان افراد هر قومی متداول و مصطلح است.

^[۸] [المنجد چاپ بیروت، ص ۷۲۶.](#)

^[۹] [کلیت ابی البقاء، ص ۲۹۲.](#)

و یا چنانکه **خواجه خواجه طوسی** در **اساس الاقتباس**

^[۱۰] [اساس الاقتباس، چاپ دانشگاه تهران، ص ۵۹۵.](#)

می نویسد: لغت **الفاظی** را گویند که تعلق به قومی خاص دارد و مشهور مطلق نبود مانند معربلت در تازی و لغت قبائل.
و گاهی لغت بر جمیع اقسام علوم عربیه اطلاق می شود.

^[۱۱] [کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)

۱. [↑ لسان العرب، ذیل «لغاً»، ج ۱۵، ص ۲۵۰.](#)
۲. [↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)
۳. [↑ الصحاح ج ۱ دار الکتب العربی، مصر، ج ۶، ص ۲۴۸۴.](#)
۴. [↑ لغت نامه دهخدا، ماده «لغت».](#)
۵. [↑ لسان العرب ماده «لغاً».](#)
۶. [↑ کلیت \(ابی البقاء الحسینی الکفوی الحنفی\)، چاپ تهران، ۱۲۸۶ هـ.ق، ص ۲۹۲.](#)
۷. [↑ کشف اصطلاحات الفنون، چاپ مکتبه خیام - تهران، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)
۸. [↑ المنجد چاپ بیروت، ص ۷۲۶.](#)
۹. [↑ کلیت ابی البقاء، ص ۲۹۲.](#)
۱۰. [↑ اساس الاقتباس، چاپ دانشگاه تهران، ص ۵۹۵.](#)
۱۱. [↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۳۱۱.](#)

منبع

جابری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، ص ۱۵-۱۶.